

از لابلای نبشته های روزمره

## تداخل نیروهای بیرونی در قضایای داخلی کشورها چگونگی ونحوه پیچیدگی مناسبات بین المللی در منطقه جستجوی راههای بیرون رفت از بن بست کنونی

قبل از همه تذکر این مسأله از اهمیت شایانی برخوردار می باشد که یکی از بنیادی ترین تفاوت های جهان کنونی با جهان سنتی و قدیم، تفاوت در پیچیدگی آن محسوب می گردد. این مسأله بهمگان واضح است که در هر رخداد و هر حادثه ای که در جهان کنونی ما اتفاق می افتد، مجموعه ای از عوامل، متغیرها و عناصر دخالت دارد. همین امر به رخدادهای جهان معاصر، ماهیت پیچ اندر پیچ و گونه گونه بخشیده است که هر کدام با دنیایی از رازها، معانی و روابط احاطه شده است. درک این پیچیدگی ها به سادگی امکان پذیر نیست و بهمین دلیل، متناسب با حوزه های مختلف زندگی، انواع و اقسامی از دانش های تخصصی بوجود آمده است که هر کدام یک گوشه خاص این دنیای پیچیده و دشوار را قابل درک و فهم می سازد.

از کلیات به جزئیات وارد گردیده و یاد آور میشوم که اوضاع کنونی امنیتی کشور عزیز ما در این اواخر توسط نیروهای نظامی شامل درقضایای موجود، "وضعیت نامطلوب" تعریف می گردد. در مورد متذکره، بسیاری ها در باره گزارش محرمانه ناتو، مطالبی را در اختیار وسایل اطلاعات جمعی قرار داده اند. سیر حوادث این واقعیت را عملاً به اثبات رساند که سعی و تلاش های چندین ساله ایالات متحده و همپیمانانش در بخش تعلیم و تربیه و آماده سازی نیروه های امنیتی کشور، عبث و بیهوده ثابت گردید. بدین ترتیب، بصورت واضح ومبرهن پرسشی بمیان میآید که چسان هم افغانستان وهم کشورهای همجوار و دول کشورهای آسیای میانه قادر به تأمین امنیت بوده و چگونه می توانند از خطر اسلامیزم رادیکال در امان باشند؟

در گزارشاتی که توسط وسایل اطلاعات جمعی بنشر رسیده، از مجموع واحدهای پیاده قوای مسلح کشور، تنها یک واحد آن توان نبرد و مبارزه مسلحانه را دارا میباشد. تلفات نیروهای مسلح طی سال قبل، بتعداد هشت هزار نفر تخمین میگردد که افزایش ۴۲ درصدی را در مقایسه با سال ۲۰۱۴ نشان

می دهد. مشکل دیگری که قوای مسلح کشور با آن مواجه است، مسأله فرار منسوبان آن و پیوستن عده ای از آنها به صفوف نیروهای مسلح مخالف می باشد. پس در نظر باید داشت که نیروهای مسلح مخالف، از لحاظ تعداد نفرات، تقویه گردیده و حملات شانرا بر بسیاری از ولایتها و مناطق کشور تشدید بخشیدند که بخصوص ما شاهد چنین امری در جنوب کشور بودیم.

در چنین یک وضعیتی، در نظر باید داشت که "طالب"ها، بیش از پیش در صدد سرباز گیری از اهالی ملکی می باشند. آنها در عمل، بسیاری از بخشهای ولایت های جنوبی کشور را یا بصورت مستقیم و یا بلا واسطه تحت تأثیر خویش قرار داده اند. سعی باید بر آن باشد تا مناطق تحت تأثیر آنها را تحت تسلط حاکمیت دولت مرکزی قرار داد.

نباید این واقعیت را از نظر دور داشت که در کشور ما روز تاروز "خلافت اسلامی" (داعش) نیز از نیرو و قدرت بیشتری برخوردار می گردد. آنها مناطقی در شرق کشور را تحت اشغال خویش قرار داده و پیشبینی می گردد که به تشکیل و ایجاد "خلافت" سراسری در افغانستان مبادرت ورزند.

امریکایی ها چندی قبل اعلام داشتند که به اعزام نیروهای اضافی (۵۰۰ نظامی) به افغانستان متعهد می باشند، در وضعیت کنونی، تعداد مجموعی نظامیان آن کشور در افغانستان به ۹۸۰۰ تن بالغ می گردد. این تعداد بصورت قطع، بمنظور اجرای عملیات محاروبی و مبارزه علیه دهشت افگنان کافی بنظر نمیرسد. وضعیت و شرایط کنونی در کشور را میتوان اسفناک توصیف نمود، بنأء، مسأله مذاکرات سیاسی با "نیروهای مخالف" در دستور روز قرار می گیرد. چنانچه هفته قبل در پاکستان، نمایندگان افغانستان، پاکستان، ایالات متحده و چین طی ملاقاتی، ضرورت تداوم مذاکرات و امکان سهمگیری "طالب"ها را در چنین مذاکرات، مورد بحث و گفتگو قرار دادند، دور دوم مذاکرات یادشده در کابل تدویر یافته و مسایل عدیده ای را مطرح نمودند، قرار است دور بعدی گفتگوها در اسلام آباد به کارش ادامه دهد.

بنظر میرسد امریکایی ها در قبال جایگزین غم انگیزی قرار گرفته اند. یا مجدداً نیروهای نظامی و جنگی بیشتری به افغانستان بفرستند و یا اینکه چنین وانمود نمایند که با "طالب"های میانه رو باب مذاکره و گفت و شنود را می گشایند.

تذکر این مسأله، مهم پنداشته می شود که اگر رهبران سیاسی و نظامی ایالات متحده بخود اجازه می دهند تا در قبال واقعیت های عینی و انکار ناپذیر، چشمانشان را ببندند و چنین پندارند که گویی هیچ واقعیتی اصلاً به مشاهده شان نمی رسد، در چنین یک وضعیتی، بنیادگرایی تمامی منطقه ما را فرا خواهد گرفت و خطرات پخش و گسترش رادیکالیسم اسلامی، همچنان بسیاری از کشورهای منطقه ما و همچنان دولتهای کشورهای آسیای میانه را در گام نخست مورد تهدید قرار خواهد داد. درباره چنین نیت غرب منتشره در گزارش ناتو در مورد وضعیت اردوی افغانستان که بصورت غیر مترقبه در مطبوعات کشور نیز بچاپ رسید، باید بیش از هر زمان دیگر متوجه وضع نظامی - سیاسی در کشور بود.

با تحلیل و بررسی وضعیت کشور، میتوان اظهار نمود که بیش از این در کمکها و مساعدت های غرب بدولت افغانستان، ممکن بصورت چشمگیری کاهش بعمل آید. استدلال های گوناگون بیشماری در مورد ارائه می گردد که خود بازگویی دور زدن افغانستان توسط ناتو و ایالات متحده محسوب می گردد. البته غربی ها مقادیر بیشمار مالی در افغانستان بمصرف رسانیده و بیشترین مدت زمان را در کشور ما سپری نمودند. بنظر نظامیان آنها، اردوی افغانستان مدتها قبل ایجاد گردیده است. اما معضل و مشکل عمده،

نبود ظرفیت در اردوی کشور ما نه، بلکه نبود و عدم علاقمندی ناتو در تجهیز کامل اردوی کشور می باشد. ایالات متحده و ناتو ایجاد اردوی نیرومند و مجهز با تسلیحات پیشرفته و موثر در کشور را در اولویت های کاریشان قرار ندادند، اما اظهار نظرهایی مبنی بر گسیل نیروهای نظامی و جنگی بیشتر به کشور ما اینجا و آنجا صورت می گیرد. در قبال چنین اظهارات و ادعاها باید اضافه نمود که بلی ایالات متحده، از جمله به گسیل قوای اضافی نظامی به افغانستان متوسل گردید، اما نباید فراموش نمود که ایالات متحده در پی دفاع از منافع و مصالح خویش بوده و ناگزیر است تا در گام نخست بمنظور دستیابی به آن به اقداماتی متوسل گردد. ایالات متحده قبل از همه به پایگاههای هوایی ضرورت آشد دارد، از آن نوعی که کنون ظاهراً بمنظور تداوم جنگ در افغانستان اعمار و ایجاد نموده اند. در تداوم اقدامات اینچنینی، قبل از همه و بیش از سایر موارد مورد نظر، بصورت یک کل و به نحوه دست ناخورده، منافع حیاتی ایالات متحده مضمحل می باشد. از جانب دیگر، آنها بمنظور حمایه و پشتیبانی حاکمیت طرفدار ایالات متحده نیز به موجودیت چنین پایگاههایی ضرورت آشد احساس می نمایند.

ایالات متحده، تحت شعار "مبارزه علیه تروریسم" وارد کشور ما گردید، در طول مدت زمان ۱۵ سال، نظامیان کشور متذکره، قادر بدان بودند تا معضله و مشکل یادشده را یکبار و برای همیشه ختم نموده و به آن نقطه پایان می گذاشتند، و اما اگر اکنون این معضله و مشکل حل و فصل نگردیده، باید یادآور شد که موجودیت و واقعیت وجودی معضله ای که از عینیت آن گریبان می دریدند، یا تاکنون به حل و فصل آن اقدام نوزیدند و یا اینکه اصلاً وجود خارجی نداشت و اما بمنظور توجیه اعمال و کرده هایشان، با ایجاد چنین حریف و تولید "جنگجویان دشمن" ساخت زرادخانه های صنایع جنگی و حربی ایالات متحده، جز خاک زدن به چشم مردم چه تعریف دیگری بر آن می توان قایل گردید؟

در این مقطع سوالی مطرح می گردد که آیا با خروج نیروهای رزمی ایالات متحده و ناتو از افغانستان، خلای بوجود آمده توسط چه کسانی رفع خواهد گردید؟

امریکایی ها مدت زمان مدیدی را بمنظور ایجاد و بپا ایستادن اردوی عراق صرف نمودند، کلیه اقدامات نامطمئن امنیتی که آنها در آن کشور انجام دادند، عین وضعیت در گرجستان و افغانستان تکرار گردیده و اکنون به ایجاد اردوی اکرائین مبادرت ورزیده اند. درباره کشور ما، بگمان اغلب امریکایی ها سعی بخرچ دادند تا در اوایل امر از واگذاری سلاح سنگین و تجهیز کامل قوای هوایی کشور خودداری ورزند، اما پس از بگومگوهای فراوان و مشکلات زیادی، حاضر به فراهم آوری بخشی از آن گردیدند.

این واقعیت، قابل فهم است که اردوی کشور، اصلاً از ثبات لازم برخوردار نمی باشد. سیر حوادث در کشور این حقیقت را برملا ساخت که صفوف اردوی کشور (از لحاظ روانی)، از مورال ضعیفی برخوردار می باشند. بعضی از قطعات محاربوی اردوی کشور از مهارت های خوبی برخوردار اند که این امر بصورت فراگیر، شامل ساحات وسیعتری از اردو باید گردیده تا بیشترین بخش های اردو چنین مهارت های جنگی و محاربوی را فراگیرند. در بهتر شدن صفوف اردو باید بیشتر و بیشتر کار و جهد صورت گیرد، سخن نه تنها در مورد تجهیز بهتر اردو، بلکه در مورد مسایل انتیکی و منطوقی نیز مطرح می باشد که در افغانستان و جامعه افغانی بمثابه سنت پذیرفته شده است. نباید از فاکتور دیگری در این عرصه چشم پوشی نمود و آن عبارت از گفتگوهای بین الافغانی می باشد که بتاريخ ۲۴ ماه جنوری سال روان در اسلام آباد آغاز و یک هفته پس از آن در کابل بکارش ادامه داد، قرار است تا گفتگوهای متذکره طی ماه

دلو سالروان در اسلام آباد تداوم یابد، همه طرفهای درگیر در مسایل مربوط به کشور، از چنین ملاقاتها و مذاکرات و شرکت چین و ایالات متحده در جلسات آن، بگرمی استقبال و پشتیبانی می نمایند.

چنانچه همه اطلاع دارند که قوماندان ها و فرماندهان محلی که عمدتاً در تشکیل "اتحاد شمال" گرد هم آمده بودند، اکنون بیشترین بخش آنها علیه همدیگر می جنگند تا وفاداری شانرا به "طالب" ها به اثبات برسانند که البته این آرزومندی منحصر بفرزندان محسوب می گردد. "اتحاد شمال" بمثابة متحد و همکار عملیات نظامی و حربی ایالات متحده، کمک شایانی بمنظور اجرای پروگرام های جنگی کشور اخیرالذکر انجام دادند. تشکیل غیرپینتون که متشکل از اقلیت های موجود در کشور می گردید، تحت فشارهای "طالب" ها، مجبور به عقب نشینی گردیدند. در وضعیت کنونی، صورت مشابه عملکرد فوق بوقوع نخواهد پیوست، چون در کابل بگونه رسمی، هم پیمانان ایالات متحده در حاکمیت قرار دارند. اما خواسته های "طالب" ها مبنی بر خروج قوای نظامی از افغانستان در صدر تقاضاهای آنها قرار دارد.

بسیاری از کسان شاغل در امور مورد بحث، چنین ادعا می نمایند که ایالات متحده در صدد ترک کشور ما می باشد، اما نظامیان امریکایی چنین می پندارند که خروج نیروها و سربازان آنها از افغانستان و ترک کشور، باید بنحوی صورت عملی بخود گیرد که بنحوی از انحنا و بشکلی از اشکال، حضور آن کشور در افغانستان همچنان تداوم یابد. شاید آنچه در وقت وزمانش در ویتنام جنوبی صورت گرفت، در مورد کشور ما نیز صورت عملی بخود گیرد. بلی، موجودیت قوای مسلح افغانستان که بصورت ناقصی تحت تعلیم و تربیه نظامی قرار گرفته و قادر بدان نشدند تا مهارت های لازم نظامی را کسب نمایند و همچنان مسأله فرار سربازان از صفوف قوای مسلح و با موجودیت سلسله فاکت های دیگر، آیا هزینه نمودن مقادیر هنگفت پولی توسط غرب و اینهمه تلفات انسانی در افغانستان برای هیچ بود؟ در اینجا سوالی مطرح می گردد که آیا ایالات متحده می تواند افغانستان را در وضعیت کنونی وبدون هدف رها نماید؟

واشنگتن سعی می ورزد تا چنین وضعیتی اتفاق نیافتد. ببینید، امکانات و منابع زیادی باید بکارگماشته شود. در نتیجه هجوم به افغانستان و تحمل تلفات سنگین و مصارف مادی، غرب "سود" ژئوپولیتیکی نصیب گردید، با اینهمه، ناتو در صدد محکم نمودن جای پایش در افغانستان می باشد.

چاشنی های معلوماتی کنونی در صدد آماده سازی وضعیت بمنظور تخلیه می باشند که در یک حالت مناسب برای غرب انجام پذیرد. امریکایی ها در صددند تا دید کامل شانرا در کشور ما همچنان حفظ نمایند. آنها همچنان در تلاشند تا در مذاکرات و گفتگوهای بین الافغانی اثر گذار باشند. اگر ایالات متحده در صدد مدیریت گفتگوها باشد، می توان گفت که در چنین صورتی، مذاکرات نتایج غم انگیزی برای دولت و مردم افغانستان بامرغان خواهد آورد، چه "طالب" ها قبل از همه به یقین کامل که امتیازات بیشتری تقاضا خواهند نمود.

ایالات متحده در صدد ترک کامل کشور ما نمی باشد، اما غربی ها درکل، چنین ادعا می نمایند که "این "باطلاق افغانی" منابع بزرگ و حجیمی را می بلعد." اما از جانب دیگر، در امر رها نمودن آنهمه دستآورد هاییکه طی دهه اخیر حاصل گردیده، متأسف می باشند.

این مسأله در هاله ای از ابهام قرار دارد که چسان و به چه طرقی و با استفاده از چه وسایلی، ایالات متحده با حاکمیت جدیدیکه بخشی از آنها "طالب" ها تشکیل می دهند، باب مذاکره و گفتگو را خواهد گشود. اینجا، آرزومندی ایالات متحده در دستیابی به راهها و وسایل حل و فصل سیاسی قضایا به مشاهده

میرسد • کوششهای متذکره همین اکنون در شرف شکل گیری می باشد • پیشنهادهای هم از جانب کشورهای آسیای میانه مطرح گردیده که قابل فهم می باشد • زمانی که حاکمیت های کشورهای آسیای میانه در امر استقرار و بهبود وضعیت در افغانستان سهم می گیرند، فی نفسه، مفکوره و ایده "آسیای میانه بزرگ"، از جانب هیچکسی مورد تردید قرار نمی گیرد •

مسئله دیگر قابل بحث، از جمله یکی هم این خواهد بود که در ایالات متحده، حجم بزرگی از روشهای گوناگون موجود میباشد • قبل بر این، سیاست خارجی آن کشور بصورت یکدست اجرا میگردید، اما اکنون مفاهیم کلی در مورد، وجود نداشته و بررسیستم نامتعادلی قرار دارد • این کاملاً واضح و مبرهن است که در زمینه یادشده بمشکل بتوان به تطبیق و انجام مفکوره "خروج از افغانستان و همزمان با آن تداوم حضور"، موفق گردند •

آیا ایالات متحده حاضر به شرط بندی بر بنیادگرایی و تروریسم می باشد؟

بگفته ناظران امور، اینهمه درواشنگتن راه اندازی می گردد • اما باید پذیرفت که در سیاست نه دوست دائمی وجود دارد و نه دشمن دائمی، آنچه مهم است، مسئله منافع می باشد • در حالیکه امریکایی ها در نهایت امر اصلاً نمی دانند که در افغانستان در صدد دستیابی به چه هدفی بوده و آیا منابع و امکانات لازم در اختیار دارند و یا نه؟ هنوز نتیجه گیری در مورد، قبل از وقت بنظر می رسد •

اما بخاطر باید داشت و در اینباره صحبت های اندکی صورت می گیرد که چسان و به چه نحوه ایی "خلافت اسلامی" (داعش) آماده فشار آوردن بر "طالب" ها می گردد، بخصوص پس از سقوط کنذ، در مورد مسایل مربوط در ختم سال ۲۰۱۵ توسط نشریات مشابه بزبان انگلیسی، موضوعاتی بچاپ رسید • در این عرصه، بیش از همه، بریتانیایی ها فعال بودند • در اول امر، مجله تایم و بعدها نشریه اندپیندنت، در باره اینکه بزودی "خلافت اسلامی" (داعش) در افغانستان بقدرت دست می یابد، مطالب و موضوعاتی را به نشر سپردند، در جلال آباد نیز، بیرق های سیاه برافراشته گردید •

می توان از مداومت موضع و موقعیت "طالب" ها در امر مقابله علیه "خلافت اسلامی" (داعش)، سخن گفت، چه آنها بمنظور برسر رساندن وظایف عملی، پافشاری می نمودند • واقعیت امر اینست که "طالب" ها با استفاده از قاچاق مواد مخدر، سود فراوانی بدست می آوردند، آنها این ماده بدنام را به قاچاقبران وارد شده از عربستان سعودی و قطر بفروش می رسانیدند • اما نمیتوان همه "طالب" ها را بصورت کل، یکدست محسوب نمود، همه ی آنها به "خلافت اسلامی" (داعش) سوگند وفاداری یاد نخواهند نمود • میتوان ادعا نمود که در کوتاه مدت، "خلافت" نامبرده در کشور، موفقیت و دستاورد چشمگیری نخواهد داشت • جنگجویان آنها قادر به تسخیر شهرهای بزرگ خواهند شد اما نه اضافه از آن •

نباید فراموش نمود که "خلافت اسلامی" (داعش)، طرحیست که از جانب غرب بمنظور اجرای وظایف معین و مشخصی ایجاد گردیده است • اینکه این طرح و نقشه مورد نظر، موفقیتی در پی خواهد داشت و یا نه، گذشت زمان پاسخ خواهد گفت •

بیست و دوم ماه جنوری سال ۲۰۱۶